



## حضرت مهدی (عج) وارث کدام ویژگی های امام حسین (ع) هستند؟!

اصلاح طلبی در منطق حسینی و مهدوی؛ عدالت خواهی و ظلم ستیزی، مبارزه با فقر و بی عدالتی، مبارزه با فحشا و منکرات، اقامه احکام نورانی اسلام، توجه دادن مردم به فرایض الهی و... است.

اصلاح طلبی در منطق حسینی و مهدوی؛ عدالت خواهی و ظلم ستیزی، مبارزه با فقر و بی عدالتی، مبارزه با فحشا و منکرات، اقامه احکام نورانی اسلام، توجه دادن مردم به فرایض الهی و... است. به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر مروری بر ویژگی هایی است که میان حضرت مهدی (عج) و امام حسین (ع) مشترک بوده و به نوعی حضرت صاحب الزمان وارث این صفات از ابی عبدالله الحسین است.

غربت

غربت دو معنا دارد: ۱. دوری از خاندان و وطن؛ ۲. کمی یاران. و حضرت مهدی علیه السلام به هر دو معنا غریب است. (۱)

مظلومیت

مظلومیت امام حسین علیه السلام در صحرای کربلا و وقایع عاشورا بر کسی پوشیده نیست. اما مظلومیت امام مهدی (عج) و ظلم ما شیعیان به آن بزرگوار، بی توجهی به یاد آن حضرت و فراموش نمودن غیبت امام معصومان است.

ظلم دیگری که از طرف ما، شیعیان به حضرت مهدی (عج) می رسد، کثرت گناهان و اعمال و رفتار ناشایسته مان است. چنانچه خود حضرت (عج) در توقیع معروفشان به شیخ مفید می فرمایند: «اگر پیروان ما - که خدای آنان را در فرمانبرداری خویش توفیق ارزانی بدارد - به راستی در راه وفای به عهد و پیمانی که بردوش دارند، هم دل و یک صدا بودند، هرگز خجستگی دیدار ما از آنان به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما، دیداری براساس آگاهی عمیق و خالصانه نسبت به ما، زودتر روزی آنان می گشت.

از این رو (باید بدانند که) جز برخی رفتار ناشایسته آنان که ناخوشایند ما است و آن عملکرد را زبینه اینان نمی دانیم، عامل دیگری ما را از آنان دور نمی دارد.» (۲)

شجاعت

امام حسین علیه السلام شجاعت را از جدش رسول خدا صلی الله علیه و اله و پدر بزرگوارش امیر المؤمنین علیه السلام به ارث برده است. و حضرت مهدی علیه السلام نیز شجاعت واقعی را به منصف ظهور می رساند.

مردم بعد از واقعه کربلا، جنگ های امیر المؤمنین علیه السلام و شجاعت آن حضرت را فراموش کردند. و شجاعت و چابکی امام حسین علیه السلام را یادآور می شدند و شجاعت آن حضرت ذکر مجالس بود.

علی بن عیسی اربلی در کتاب شریف کشف الغمه گوید: «شجاعة الحسين عليه السلام يضرب بها المثل» «شجاعت امام حسین علیه السلام ضرب المثل شده بود.» (۳)

امام باقر علیه السلام آیه شریفه: «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِيَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ» (اسراء/۵) را می خواندند. سپس فرمود: «این کسان (بندگان جنگاور و پربصابت)، امام قائم و یاران اویند.

شبهات او با آن حضرت در «قیام البسیف» بودن هست. آنان در برخورد با دشمنان صاحب شدت و غلظت هستند و این دلیل دیگری بر شجاعت آن ودیعه الهی است.» (۴)

امر به معروف و نهی از منکر

«سالار شهیدان حسین بن علی علیهما السلام در این امر ملاحظه تقیه را نکرد و این از ویژگی های آن حضرت است.» «در لثالی الاخبار از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله آمده که فرمود: مادامی که مردم امر به معروف و نهی از منکر نمایند و بر کار نیک معاونت کنند پیوسته در خوشی و خیر باشند، پس اگر این کار را نکنند برکت ها از آنان سلب می شود و بر یکدیگر مسلط گردند و نه در زمین یآوری برای آن ها باقی می ماند، نه در آسمان.

و از آن حضرت روایت شده است که فرمود: اگر مردم به معروف امر نکنند و از منکر نهی ننمایند و از اخبار اهل بیت من پیروی نداشته باشند، خداوند بدها و شرارشان را بر آن ها مسلط گرداند، آن گاه خوب ها دعا کنند دعایشان مستجاب نشود.»

امام عصر علیه السلام از جانب خداوند متعال مأمور است که تمام منکرات را از همه جای دنیا بردارد، به طوری که دیگر احدی باقی نماند که برای فعل منکر خود پناهی داشته باشد.

در کتاب المحجه در تفسیر آیه شریفه: الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ آمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ کسانی که هرگاه در زمین، آنان را توانایی دهیم، نماز را بپا دارند، و زکات [به مستحق] بپرانند، و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و عاقبت کارها به دست خدا است. (حج/۴۱) از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: این برای آل محمد است، مهدی و اصحاب او، خداوند متعال مشارق و مغارب زمین را به تصرف آن ها درآورد، و دین را آشکار سازد و خداوند متعال به وسیله او و یارانش بدعت ها و باطل را از بین می برد، همچنان که سفیهان حق را میرانده باشند، تا جایی که اثری از ظلم دیده نشود و امر به معروف و نهی از منکر خواهند نمود، و آخر کارها به دست خدا است.» (۵)

نبودن بیعت طاغوت زمان

در اوصاف امام حسین علیه السلام آمده که روز عاشورا به آن حضرت عرض شد: به حکم و حکومت عموزادگانت سر فرود آور. فرمود: «لا و الله لا أعطیکم بیدی إعطاء الذلیل و لا أفر فرار العیبی» ؛ به خدا قسم که هرگز دستم را از روی خواری و ذلت به شما ندهم و مانند بردگان فرار نمی کنم. آن گاه با صدای بلند فرمود: ای بندگان خدا! من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه بردم اگر قصد آزار و سنگسار مرا دارید، و به پروردگار خود و شما پناه می برم از هرمتگری که به روز حساب ایمان نداشته باشد. و نیز، آن حضرت فرمود: مرگ در حال عزت بهتر از زندگی با ذلت است.

حضرت مهدی علیه السلام فرزند رسول الله صلی الله علیه و اله است و بیعت احدی را به گردن ندارد

«در توقیعی که در احتجاج از حضرت حجت عجل الله فرجه الشریف روایت شده آمده است: و اما علت غیبت من، خداوند عز و جل می فرماید: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْتَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ بُدِّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید از چیزهایی می رسید که هرگاه برایتان فاش گردد شما را بد آید.» (مائده/۱۰۱)

هیچ یک از پدرانم نبود مگر این که در گردن او بیعتی برای سرکش زمانش واقع شد، ولی من در حالی خروج می کنم که بیعتی برای احدی از طاغوت ها بر گردنم نیست.» (۶)

خروج از مدینه و عزیمت به مکه

حسین علیه السلام ترسان از مدینه بیرون رفت و در مکه نزول کرد، سپس به سوی کوفه حرکت فرمود؛ حضرت حجت علیه السلام نیز نظیر همین برایش اتفاق می افتد که در خبر صحیحی از امام ابو جعفر باقر علیه السلام آمده: پس سفیانی عده ای را به مدینه می فرستد، و مهدی علیه السلام از آن جا به سوی مکه کوچ می کند، به ارتش سفیانی خبر می رسد که حضرت مهدی علیه السلام به مکه رفت، لشکری در تعقیب آن حضرت می فرستد، ولی به او نمی رسند تا این که ترسان وارد مکه شود - به همان روش موسی بن عمران علیهما السلام - لشکر سفیانی در بیداء فرود می آید، پس منادی از

جانب آسمان ندا می‌کند: «یا بیداءُ أبییدی القوم»؛ ای بیداء! این گروه را نابود کن. پس زمین آن‌ها را فرومی‌برد، و فقط سه نفر از آن‌ها باقی می‌ماند که خداوند صورت‌هایشان را به عقب برمی‌گرداند، و آن‌ها از قبیلۀ کلب هستند. (۷)

مصیبت

اما مصیبت امام حسین علیه السلام که در گفتگوی آدم و جبرئیل آمده که گفت: ای آدم این فرزند تو به مصیبتی دچار می‌گردد که مصیبت‌ها در کنار آن کوچک خواهد بود. و اما قائم علیه السلام از این جهت که مصیبتش طولانی و محتشش شدید است. (۸)

یاری خواستن

امام حسین علیه السلام، هنگامی که می‌خواست از مکه به سوی عراق خروج کند، یاری خواست و فرمود: هرآن‌که حاضر است جان خود را در راه ما بخشد و خودش را مهیای لقاء الله نماید، با ما بیاید که ان شاء الله من فردا حرکت می‌کنم.

امام قائم حجة بن الحسن-عجل الله فرجه الشریف- نیز، هنگامی که در مکه ظهور می‌کند، یاری می‌طلبد، چنان‌که از امام پنجم حضرت باقر علیه السلام در حدیثی طولانی و صحیح چنین آمده: . . . در آن روز قائم علیه السلام در مکه است، پشت خود را به بیت الله الحرام تکیه زده و به آن پناه برده، بانگ می‌زند: ای مردم! ما از خداوند یاری می‌جوییم، هرکه می‌خواهد ما را اجابت کند که ما خاندان پیغمبر شما هستیم، و نزدیک‌ترین مردم به خدا و محمد صلی الله علیه و اله.

هرکس درباره آدم با من بیعت دارد [بیاید] که من نزدیک‌ترین افراد به آدم هستم و هرکه درباره نوح با من محاجه دارد، من نزدیک‌ترین کسان به نوح هستم، و هرکه درباره ابراهیم با من بیعت دارد، من نزدیک‌ترین افراد به ابراهیم هستم، و هرآن‌که درباره محمد صلی الله علیه و اله با من گفتگو دارد من نزدیک‌ترین افراد به محمد صلی الله علیه و اله هستم، و هرکه درباره پیغمبران بحث دارد بیاید که من نزدیک‌ترین مردم به پیغمبران هستم، مگر نه خداوند در کتاب محکم خود می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (آل عمران/۳۳) البته خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید، فرزندان هستند برخی از نسل برخی دیگر و خداوند شنوای داناست.

پس من باقیمانده آدم و ذخیره از نوح و برگزیده از ابراهیم و پاکیزه خالص از محمد-صلی الله علیهم اجمعین- می‌باشم. هرآن‌که درباره کتاب خدا با من محاجه کند من نزدیک‌ترین مردم به کتاب خدا هستم، و هرکه درباره سنت رسول خدا صلی الله علیه و اله با من بیعت کند من به سنت رسول خدا از همه نزدیک‌ترم.

کسانی که سخن امروز را شنیدند آنان را به خدا سوگند می‌دهم که به کسانی که غایب بوده‌اند برسانند، و از شما می‌خواهم که به حق خدا و به حق رسول خدا صلی الله علیه و اله و به حق خودم بر شما-که حق قرابت به رسول خدا صلی الله علیه و اله می‌باشد- این‌که ما را کمک کنید و کسانی که به ما ظلم می‌کنند از ما منع نمایند، که ترسانیده شدیم و به ما ظلم شده و از شهر و فرزندانمان رانده شدیم و بر ما سرکشی کردند و از حقان کنارمان زدند و اهل باطل بر ما افترا بستند، خدا را خدا را درباره ما، که ما را وامگذارید و یاری‌مان نمایید که خداوند شما را یاری کند. (۹)

اصلاح طلبی عزت‌آفرین

یکی دیگر از تابلوهای درخشان عاشورای حسینی، «اصلاح طلبی» نبوی و عزت‌بخش است. حماسه‌ساز کربلا خود نیز یکی از اهداف قیام تاریخی خویش را همین اصل می‌داند: «اتما خرجت لطلب الإصلاح فی امة جدی» «من برای اصلاح امت جدّم قیام کردم.» (۱۰)

اصلاح طلبی حسین علیه السلام، بر پایه سازش‌ناپذیری با بی‌خبران از دین و براساس پیروی از سیره پیامبر صلی الله علیه و اله و امیر المؤمنین علیه السلام می‌باشد و محور آن توحید، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی است؛ لذا مولد عزت در عاشورا شد.

در مورد یوسف زهرا علیهما السلام نیز از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم آمده است: «لیصلح الامة بعد فسادها» (۱۱)

«خداوند به وسیله حضرت مهدی (عج) این امت را پس از آنکه تباہ شده‌اند، اصلاح می‌کند»

در روایت دیگری آمده است: «فاذا خرج اشقرت الارض بنور ربّها و وضع المیزان بالعدل بین الناس فلا یظلم احد احدا» «به هنگام ظهورش جهان با نور پروردگارش می‌درخشد؛ او میزان عدل را در میان مردم قرار می‌دهد و دیگر کسی در حق کسی ستم نمی‌کند.» (۱۲)

امام صادق علیه السلام نیز درباره اصلاحات مهدوی، در عصر ظهور می‌فرماید: «و یدهب الزنا و شرب الخمر و یدهب الزبا و یقبل الناس علی العبادات تؤدی الامانات و تملك الاشرار و تبقي الاخیار.» «روابط نامشروع، مشروبات الکلی و رباخواری از بین می‌رود. مردم به عبادات روی می‌آورند و امانت‌ها را به خوبی رعایت می‌کنند. اشرار مردم نابود می‌شوند و افراد صالح باقی می‌مانند.» (۱۳)

در دعای گران‌قدر نذبه می‌خوانیم: «ابن المعد لقطع دابر الظلمة» و «ابن مبيد اهل الفسوق و العصیان و الطغیان».

یکی از القاب آن حضرت نیز «مصلح» است.

گفتنی است اصلاح طلبی در منطق حسینی و مهدوی؛ عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، مبارزه با فقر و بی‌عدالتی، مبارزه با فحشا و منکرات، اقامه احکام نورانی اسلام، توجه دادن مردم به فرایض الهی و کنار زدن ناله‌لان و روی کار آوردن صالحان و نیکان آنها. هر اصلاح طلبی و اصلاحاتی که منطبق بر این اصل بوده و اساس حرکتش این باشد، «حسینی و مهدوی» است. (۱۴)

منابع:

۱-مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۷۹

۲- احتجاج طبرسی/ج۲/صص ۶۵۵-۶۵۳

۳- نینوا و انتظار، تأملی نو، جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، ص ۱۸۱

۴- همان ص ۲۰۰ به نقل از بحارالانوار ج ۵۱ ص ۵۷

۵- ترجمه مکیال المکارم ج ۱ صص ۳۱۹-۳۱۸ به نقل از ثلثی الاخیار ج ۵ ص ۲۶۱

۶- همان ص ۱۷۱ به نقل از احتجاج، ج ۲ ص ۲۸۴

۷- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۳۸

۸- همان، ج ۴۴ ص ۲۴۵

۹- ترجمه مکیال ص ۲۷۶ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۲۳۸

۱۰- بحار ج ۴۴، ص ۳۲۹

۱۱- همان، ج ۵۱، ص ۸۳

۱۲- همان، ج ۵۲، ص ۳۲۲

۱۳- روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۰۰

۱۴- نینوا و انتظار، تأملی نو، جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت